



Social Capital of Parliaments: A Comparative Model for Rebuilding the Relationship between Parliament and Society in Iran

Mohsen Raddadi 

Department of Islamic Revolution studies, Faculty of Culture and Social studies, Institute of Islamic Culture and Thought, Tehran, Iran. E-mail: Radadi@iict.ac.ir

ARTICLE INFO

Article type:
Research Article

Article History:
Received: October 11, 2025
Revised: January 01, 2026
Accepted: January 10, 2026
Published online: June 07, 2026

Keywords:
Social Capital
Public Trust
Parliament
Transparency.

ABSTRACT

The decline of social capital in representative institutions, including parliaments, is a common challenge for both emerging and established democracies in recent decades. In many countries, public trust in parliament has fallen below fifty percent, a trend that has contributed to the weakening of legislative legitimacy and reduced compliance with parliamentary decisions. This article aims to conduct a comparative study of social capital in the parliaments of seven selected countries (Bangladesh, the Netherlands, Finland, France, the United States, Germany, and Italy) and derive policy recommendations for strengthening the social capital of the Islamic Consultative Assembly (Iranian Parliament). The findings reveal that specific factors have played a role in the decline of parliamentary social capital in each country, including budget deficits (Belgium), a focus on local issues (Ireland), administrative corruption (Italy), media transparency (Sweden), economic crisis (the UK), and civic apathy (Portugal). Meanwhile, global surveys indicate that public trust in the Islamic Consultative Assembly in Iran remains higher than the global average, yet proactive policymaking is still needed to enhance this capital. Using a four-dimensional framework—trust, participation, self-sacrifice, and informal interaction—this article proposes strategies for improving the social capital of the Iranian Parliament. Key recommendations include enhancing transparency, strengthening public engagement, emphasizing representatives' commitment and efficiency, and reshaping the media image of the parliament.

Cite this article: Raddadi, M. (2026). Social Capital of Parliaments: A Comparative Model for Rebuilding the Relationship between Parliament and Society in Iran. *Social Capital Management*. 13 (2), 175-189. <http://doi.org/10.22059/jscm.2026.398547.2629>



© Authors retain the copyright and full publishing rights.
DOI: <http://doi.org/10.22059/jscm.2026.398547.2629>

Publisher: University of Tehran Press.



سرمایه اجتماعی پارلمان‌ها: الگوی تطبیقی برای بازسازی رابطه مجلس و جامعه در ایران

محسن ردادی

گروه مطالعات انقلاب اسلامی، پژوهشکده فرهنگ و مطالعات اجتماعی، پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی، تهران، ایران. رایانامه: Radadi@iict.ac.ir

اطلاعات مقاله

چکیده

نوع مقاله:

پژوهشی

تاریخ‌های مقاله:

تاریخ دریافت: ۱۴۰۴/۰۷/۱۹

تاریخ بازنگری: ۱۴۰۴/۱۰/۱۱

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۴/۱۰/۲۰

تاریخ انتشار: ۱۴۰۵/۰۳/۱۷

کلیدواژه:

سرمایه اجتماعی

اعتماد عمومی

پارلمان

شفافیت.

کاهش سرمایه اجتماعی نهادهای نمایندگی، از جمله پارلمان، یکی از چالش‌های مشترک دموکراسی‌های نوپا و تثبیت‌یافته در دهه‌های اخیر است. در بسیاری از کشورها، سطح اعتماد عمومی به پارلمان به کمتر از پنجاه درصد رسیده و این روند، زمینه‌ساز تضعیف مشروعیت قانون‌گذاری و کاهش تبعیت از مصوبات پارلمان شده است. هدف این مقاله، بررسی تطبیقی سرمایه اجتماعی در پارلمان هفت کشور منتخب (بنگلادش، هلند، فنلاند، فرانسه، آمریکا، آلمان و ایتالیا) و استخراج راهکارهایی برای تقویت سرمایه اجتماعی مجلس شورای اسلامی است. یافته‌های مقاله نشان می‌دهد که در هر کشور، عوامل خاصی در کاهش سرمایه اجتماعی پارلمان نقش داشته‌اند؛ از جمله کسری بودجه (بلژیک)، تمرکز بر مسائل محلی (ایرلند)، فساد اداری (ایتالیا)، شفاف‌سازی رسانه‌ای (سوئد)، بحران اقتصادی (بریتانیا) و بی‌تفاوتی مدنی (پرتغال). در عین حال، نظرسنجی‌های جهانی نشان می‌دهد که سطح اعتماد به مجلس شورای اسلامی در ایران بالاتر از میانگین جهانی است، اما همچنان نیازمند سیاست‌گذاری فعال برای ارتقای این سرمایه است. این مقاله، با استفاده از چارچوبی چهارگانه شامل اعتماد، مشارکت، از خودگذشتگی و تعامل غیررسمی، راهکارهایی برای بهبود سرمایه اجتماعی پارلمان ایران ارائه می‌دهد. تقویت شفافیت، افزایش ارتباط با افکار عمومی، پررنگ‌سازی تعهد و کارآمدی نمایندگان و بازآرایی تصویر رسانه‌ای مجلس، از جمله پیشنهادهاى کلیدی مقاله برای ارتقای سرمایه اجتماعی مجلس شورای اسلامی هستند.

استناد: ردادی، محسن (۱۴۰۵). سرمایه اجتماعی پارلمان‌ها: الگوی تطبیقی برای بازسازی رابطه مجلس و جامعه در ایران. *مدیریت سرمایه اجتماعی*، ۱۳ (۲) ۱۷۵-۱۸۹.

<http://doi.org/10.22059/jscm.2026.398547.2629>

ناشر: مؤسسه انتشارات دانشگاه تهران.

© نویسندگان.



DOI: <http://doi.org/10.22059/jscm.2026.398547.2629>

مقدمه

سرمایه اجتماعی برای حفظ کارکردهای پارلمان و نهاد تقنین اهمیت دارد. زیرا مخاطب اصلی قوانین مردم هستند و در صورتی که سرمایه اجتماعی پارلمان کاهش یابد، قوانین مصوب آن مورد بی‌اعتنایی مردم قرار می‌گیرند (Ji et al., 2024). مطالعات اخیر نشان داده‌اند سرمایه اجتماعی نه تنها با مشارکت سیاسی یا مشارکت نهادی مرتبط است، بلکه در تحلیل پیامدهای اعتماد سیاسی بر رفتار رأی‌دهندگان و مشارکت شهروندی نیز نقش معنادار دارد (Nyqvist et al., 2024)؛ هرچند رابطه آن با مشارکت نهادی پیچیده و چندوجهی است (Devine, 2024).

تقریباً در همهٔ دموکراسی‌های نوپا و تثبیت‌شده میزان اعتماد عمومی به پارلمان‌ها کمتر از نیمی از جمعیت است (Holmberg et al., 2017). چالش اعتماد عمومی و فرسایش سرمایه اجتماعی پدیده‌ای فراگیر است که همهٔ پارلمان‌های جهان با آن مواجه‌اند و نسخهٔ واحد و جهان‌شمولی برای تقویت اعتماد عمومی وجود ندارد. مثلاً، شفافیت به عنوان یکی از راهکارهای متداول برای ارتقای سرمایه اجتماعی پارلمان‌ها مطرح می‌شود؛ اما تجربهٔ پارلمان بریتانیا نشان داد که این ابزار می‌تواند پیامدهای معکوس نیز داشته باشد. در پی افشای رسوایی مالی نمایندگان مجلس در سال ۲۰۰۹، کارآمدی شفافیت در افزایش سرمایه اجتماعی به شدت مورد تردید قرار گرفت (Leston-Bandeira, 2012b). با این حال، پیش از این رویداد و در خارج از مرزهای بریتانیا شفافیت نقش مثبتی در تقویت سرمایه اجتماعی پارلمان‌ها ایفا کرده بود.

یافته‌های تجربی این مسئله را تأیید می‌کند. مثلاً، در سال ۲۰۰۱ مطالعه‌ای در سرزمین‌های اشغالی نشان داد که تنها ۱۴ درصد از شهروندان رژیم اشغالگر قدس اعتماد «زیاد» یا «کامل» به کنست^۱ دارند (Rolef, 2006).

چارچوب نظری

سرمایه اجتماعی «تراکم منابع بالفعل و بالقوه‌ای که ناشی از عضویت در شبکه‌ای پایدار از روابط کم‌ویش نهادینه‌شده مبتنی بر شناخت و آشنایی متقابل است» تعریف شده است (Bourdieu, 1986). در این نوشتار، برای شناسایی مؤلفه‌های سرمایه اجتماعی از الگویی استفاده می‌شود که ریشه در «سمینار ساگوارو» دارد. در فاصلهٔ سال‌های ۱۹۹۵ تا ۲۰۰۰، دانشگاه هاروارد جمعی از حدود سی نفر از برجسته‌ترین اندیشمندان حوزهٔ سرمایه اجتماعی را گرد هم آورد تا دیدگاه‌های خود را در این زمینه ارائه کنند. مدیریت این سمینار بر عهدهٔ رابرت پاتنام بود (https://psr.iq.harvard.edu/the_saguaro_seminar_civic_engagement_american) که یکی از مهم‌ترین نظریه‌پردازان سرمایه اجتماعی محسوب می‌شود. انگیز و همکارانش، با تحلیل مجموعه مباحث مطرح‌شده در این سمینار، الگویی چهاروجهی از سرمایه اجتماعی ارائه کردند که شامل اعتماد، مشارکت، از خودگذشتگی، و تعامل غیر رسمی است (Engbers & Rubin, 2018, p. 568). به عبارت دیگر، ارتقای سرمایه اجتماعی در گرو تقویت این چهار عنصر است. به نظر می‌رسد این الگوی چهارگانه برای تحلیل سرمایه اجتماعی مجلس شورای اسلامی نیز کارآمد باشد.

اعتماد

اعتماد را می‌توان «باور به انجام عملی دانست که از دیگران انتظار می‌رود» (اوفه، ۱۳۸۴). به بیان دیگر، اعتماد یعنی انتظار اینکه تصمیم‌ها و اقدامات طرف مقابل به ما آسیبی نمی‌زند (Luke, 2008). هنگامی که مردم به تصمیم‌های مجلس اعتماد می‌کنند اطمینان دارند که این تصمیم‌ها در جهت منافع عمومی اتخاذ شده است (Kappler et al. 2025).

پارلمان می‌تواند با اتخاذ برخی اقدامات زمینهٔ افزایش اعتماد را فراهم کند؛ از جمله:

افزایش شفافیت: فرایندهای قانون‌گذاری و فعالیت‌های نمایندگان باید به گونه‌ای باشد که افکار عمومی علاقه‌مند به‌سادگی به آن‌ها دسترسی داشته باشند (Arter, 2012). شفافیت اسناد قانونی، گزارش‌های کمیسیون‌ها، و نحوهٔ رأی‌گیری می‌تواند جایگاه پارلمان را نزد مردم تقویت کند (Griffith & Leston-Bandeira, 2012). البته شفافیت در صورت آشکارسازی فساد ممکن است اثر معکوس داشته باشد. از این‌رو مبارزه با فساد نیز ضروری است.

مبارزه با فساد: نمونه‌های تاریخی از انگلستان در دهه‌های ۱۹۸۰ و ۱۹۹۰ یا ماجرای نوار افشاشده نخست‌وزیر مجارستان در سال ۲۰۰۶ نشان می‌دهد که فساد و بی‌اعتمادی به شدت در هم تنیده‌اند (van der Meer, 2010; Norton, 2012). کاهش منازعات جناحی: قطبی شدن پارلمان کیفیت تصمیمات را کاهش می‌دهد و اعتماد عمومی را تضعیف می‌کند (Jones, 2015).

ارتقای کارآمدی: شهروندان به طور مداوم عملکرد نهادها را بر اساس ارزش‌های سیاسی خود می‌سنجند. تصویب قوانین غیرکارآمد یا فاقد پشتوانه کارشناسی نیز به کاهش سرمایه اجتماعی پارلمان منجر می‌شود؛ به خصوص برای نسل جوان این موضوع اهمیت دارد (Stals et al. 2024).

مشارکت

یکی دیگر از مؤلفه‌های تقویت سرمایه اجتماعی مجلس مشارکت شهروندان است. این مشارکت از مرحله انتخابات آغاز می‌شود و تجربه آزاد و منصفانه بودن انتخابات به افزایش اعتماد عمومی منجر می‌شود (Azevedo-Harman, 2012). با این حال، مشارکت نباید محدود به انتخابات باشد؛ بلکه باید در فرایندهای قانون‌گذاری نیز استمرار داشته باشد (Abebe et al., 2024). ابزارهایی همچون ابتکار عام، ابتکار دستور جلسه، و وتوی مردمی از سازکارهایی هستند که می‌توانند مشارکت مردم را در قانون‌گذاری نهادینه کنند (زمانی، ۱۴۰۲).

از خودگذشتگی

اگر نمایندگان افرادی فداکار برای منافع عمومی شناخته شوند، سرمایه اجتماعی افزایش می‌یابد. بدیهی است که اقدامات نمایشی در این زمینه کارساز نیست. شهروندان از طریق روایت‌ها و بازنمایی‌های رسانه‌ای قضاوت خود را درباره از خودگذشتگی نمایندگان شکل می‌دهند. سه عنصر در این زمینه اهمیت دارد:

۱. تعهد و وظیفه‌شناسی در انجام دادن کارویژه‌های تقنین و نظارت؛
۲. کارشناسی پایه بودن طرح‌ها و مصوبات مجلس، که نشان‌دهنده استقلال تصمیم‌گیری از منافع فردی و جناحی است؛
۳. نقش نمادین نمایندگی: مردم باید احساس کنند مجلس صدای آن‌ها را بازتاب می‌دهد و به نمایندگی از آنان با سایر نهادهای حاکمیت گفت‌وگو می‌کند. ایفای این نقش حتی مهم‌تر از کارکردهای تقنینی و نظارتی است و می‌تواند سرمایه اجتماعی مجلس را تقویت کند (Leston-Bandeira, 2012a).

تعامل غیر رسمی

هسته اصلی همه تعریف‌های سرمایه اجتماعی بر اهمیت ارتباط میان افراد تأکید دارد (Engbers & Rubin, 2018). در واقع، اعتماد عمومی فقط با سازکارهای نهادی رسمی تضمین نمی‌شود؛ پیوندهای میان شهروندان و نهادهای عمومی نیز نقش تعیین‌کننده‌ای در بازتولید و تثبیت آن ایفا می‌کنند (Mahmud, 2021). شواهد پژوهشی نشان می‌دهد که شهروندان به دلیل دریافت توجه شخصی از سوی نمایندگان تمایل زیادی به برقراری ارتباط با آنان دارند (Costa et al., 2012). این امر فرصتی ارزشمند برای تقویت تعامل‌های غیر رسمی فراهم می‌آورد و می‌تواند به ارتقای سرمایه اجتماعی نهادی در سطح پارلمان منجر شود.

پیشینه پژوهش

در خصوص پیوند میان سرمایه اجتماعی و نهاد قانون‌گذاری، در ایران، تحقیقات اندکی صورت گرفته است. عمده این پژوهش‌ها بر رابطه سرمایه اجتماعی و فرایند انتخابات مجلس تمرکز دارند. مثلاً، رضایی و گل‌پرور در پژوهش خود بر تأثیر سازکارهای انتخاباتی بر سطح سرمایه اجتماعی تأکید کرده‌اند (رضایی و گل‌پرور، ۱۳۹۲). همچنین برخی محققان بر این باورند که تغییر در

سازکارها و حوزه‌های انتخاباتی می‌تواند به افزایش سرمایه اجتماعی منجر شود (رضایی، ۱۳۹۴). در پژوهشی دیگر، سرمایه اجتماعی متغیری کلیدی برای تبیین مشارکت و حضور سیاسی شهروندان در انتخابات معرفی شده است (سنگی، ۱۴۰۱). با وجود اهمیت پرداختن به سرمایه اجتماعی از دریچه انتخابات، توجه به فرایندهای جاری و درونی مجلس نیز ضرورت دارد. اصلاح و کارآمدسازی فرایندهای قانون‌گذاری، شفافیت در تصمیم‌گیری، و ارتقای پاسخ‌گویی نمایندگان می‌تواند مستقیم بر افزایش اعتماد عمومی و سرمایه اجتماعی مؤثر باشد (نوریس، ۲۰۱۱). با این حال، پژوهش‌های فارسی کمتر از این زاویه به موضوع پرداخته‌اند و گزارش حاضر می‌کوشد خلأ موجود را از این منظر پوشش دهد.

جدول ۱. مقایسه با پژوهش‌های پیشین (مأخذ: یافته‌های پژوهش)

ردیف	پژوهشگر / سال انتشار	تمرکز مفهومی اصلی پژوهش	یافته‌های کلیدی	محدودیت یا خلأ پژوهش پیشین	نوآوری و تمایز پژوهش حاضر
۱	رضایی و گل‌پرور، ۱۳۹۲	چگونگی تأثیرگذاری بازنگری فرایند انتخابات بر اعتماد سیاسی ایرانیان	افزایش اعتماد ایرانیان از طریق اصلاح فرایند انتخابات	توجه صرف به فرایند انتخابات	در نظر گرفتن عوامل مختلف
۲	رضایی، ۱۳۹۴	حوزه‌های انتخابیه و تأثیر بر سرمایه اجتماعی	شناورسازی حوزه‌های انتخابیه باعث افزایش سرمایه اجتماعی می‌شود	محدود بودن ابزار افزایش سرمایه اجتماعی	تنوع ابزارها در افزایش سرمایه اجتماعی مجلس
۳	سنگی، ۱۴۰۱	تأثیر سرمایه اجتماعی زنان بر انتخابات مجلس	سرمایه اجتماعی زنان باعث حضور بیشتر آن‌ها در پارلمان می‌شود	تمرکز بر زنان	تحلیل فراگیرتر
۴	داتی سانی و ماجیسترو، ۲۰۱۶	نگرش عمومی به نهادهای سیاسی	نهادهای نمایندگی بیش از سایر نهادها در معرض بی‌اعتمادی‌اند	غیاب تحلیل سیاستی و پیشنهادها اجرایی	ارائه بسته راهکارهای سیاستی مبتنی بر تجربه تطبیقی
۵	هولمبرگ، ۲۰۱۷	اعتماد سیاسی و مشروعیت پارلمان	کاهش اعتماد عمومی به پارلمان‌ها در اغلب دموکراسی‌های تثبیت‌شده	تمرکز صرف بر اعتماد و فقدان چارچوب چندبعدی سرمایه اجتماعی	تحلیل سرمایه اجتماعی پارلمان با چهار مؤلفه مکمل و کاربرد سیاستی برای ایران

در نتیجه می‌توان گفت اگرچه در ایران بیشتر پژوهش‌ها ناظر به انتخابات و نقش آن در سرمایه اجتماعی مجلس بوده‌اند، در مباحث بین‌المللی توجه به کارکردها و فرایندهای درونی نهاد پارلمان به مثابه عامل تعیین‌کننده در اعتماد عمومی برجسته‌تر است.

روش پژوهش

این پژوهش از رویکرد مطالعه تطبیقی کیفی^۱ بهره گرفته است. روش تطبیقی یکی از کارآمدترین شیوه‌ها برای تحلیل نهادهای سیاسی و اجتماعی است. زیرا امکان بررسی شباهت‌ها و تفاوت‌ها در بسترهای مختلف و استخراج الگوهای قابل تعمیم را فراهم می‌سازد (Ragin, 2014). در این مطالعه، پارلمان‌ها نهادهای مرکزی در بازتولید سرمایه اجتماعی در نظر گرفته شده‌اند و تجربه چند کشور منتخب به صورت تطبیقی مورد واکاوی قرار گرفته است.

انتخاب کشورها بر مبنای نمونه‌گیری هدفمند^۲ بوده است؛ به این معنا که مواردی برگزیده شدند که از حیث میزان سرمایه اجتماعی، شیوه‌های بازسازی رابطه پارلمان و جامعه، و زمینه‌های فرهنگی-سیاسی تنوع معناداری داشته باشند (Seawright & Gerring, 2008). این تنوع تحلیلی امکان استخراج طیفی از الگوهای موفق و ناموفق را برای مقایسه با وضعیت ایران فراهم می‌آورد.

1. qualitative comparative analysis (QCA)
2. purposeful sampling

برای اطمینان از روایی درونی تحقیق، داده‌های مورد استفاده در پژوهش از منابع معتبر و مستقل گردآوری شده‌اند؛ از جمله گزارش‌های رسمی پارلمان‌ها، پایگاه‌های داده بین‌المللی اعتماد نهادی، و تحلیل‌های ثانویه پژوهش‌های تطبیقی پیشین. هم‌پوشانی یافته‌ها در این منابع امکان اطمینان از استنتاج‌های پژوهش را تقویت می‌کند. همچنین، برای افزایش پایایی و قابلیت تعمیم تحلیلی، کشورهای مورد بررسی به گونه‌ای انتخاب شده‌اند که تنوعی از نظام‌های سیاسی، سطوح توسعه‌یافتگی، و سنت‌های پارلمانی را نمایندگی کنند. بدین ترتیب، یافته‌های پژوهش در قالب درس‌آموخته‌های سیاستی قابل انتقال به زمینه مجلس شورای اسلامی تلقی می‌شود.

افزون بر این، برای افزایش روایی محتوایی پژوهش نسخه اولیه نوشتار در اختیار جمعی از نخبگان دانشگاهی و صاحب‌نظران حوزه‌های علوم سیاسی، جامعه‌شناسی سیاسی، و مطالعات پارلمانی قرار گرفت. این افراد، با سابقه پژوهشی و آموزشی مرتبط، متن را از حیث انسجام مفهومی، کفایت چارچوب نظری، منطق استنباط یافته‌ها، و تناسب پیشنهادی‌های سیاستی با داده‌های تطبیقی مورد ارزیابی قرار دادند. بازخوردهای دریافت‌شده، به‌ویژه در زمینه شفاف‌سازی پیوند میان مؤلفه‌های سرمایه اجتماعی و تجربه‌های پارلمانی کشورهای مورد مطالعه، منجر به اصلاح و تکمیل و بازنویسی بخش‌هایی از مقاله شد. این فرایند داوری غیر رسمی نخبگانی به ارتقای دقت تحلیلی، کاهش سوگیری‌های احتمالی، و افزایش اعتمادپذیری نتایج پژوهش انجامیده است.

یافته‌های پژوهش

در کشورهای دموکراتیک با حکمرانی مطلوب، شهروندان اعتماد کامل و بی‌چون‌وچرا به نهادهای دولتی و حکومتی ندارند. مقداری از بی‌اعتمادی یا دست‌کم بدبینی نسبت به منفعت‌طلبی حاکمان برای سلامت دموکراسی سودمند تلقی می‌شود (Pollitt & Bouckaert, 2000). زیرا موجب می‌شود سیاستمداران در رفتار و تصمیم‌گیری‌های خود محتاط‌تر عمل کنند.

بنابراین، بخشی از بی‌اعتمادی به نهادهای حکومتی، از جمله پارلمان، طبیعی و حتی ضروری برای دموکراسی است. با این حال، وضعیت کنونی جهان فراتر از این حد متعارف است و بی‌اعتمادی شدیدی نسبت به پارلمان‌ها وجود دارد (Montinola, 2009). برخی عوامل موجب شده‌اند مردم به صورت فزاینده‌ای نسبت به پارلمان بی‌اعتماد شوند:

۱. در بلژیک، مردم پارلمان را مقصر کسری بودجه می‌دانند و همین امر موجب بی‌اعتمادی آن‌ها شده است (Lieven De, 2020).
۲. سرمایه اجتماعی پارلمان ایرلند به دلیل کم‌توجهی نمایندگان به مسائل ملی و پرداختن به امور محلی کاهش یافته است (O'Halpin, 2020).
۳. مردم ایتالیا بر این باورند که نمایندگان مجلس پنهان‌کاری زیادی دارند و بسیاری از آنان به فساد آلوده شده‌اند (DellaSala, 2002).
۴. در سوئد، گسترش رسانه‌ها و آگاهی مردم از فساد سیاستمداران به افزایش بی‌اعتمادی به پارلمان انجامیده است (Holmberg, 1999).
۵. بحران اقتصادی در بریتانیا شهروندان این کشور را نسبت به پارلمان بی‌اعتماد کرده است (Dalton, 2004).
۶. مردم پرتغال از جمله معدود ملت‌های اروپایی هستند که نسبت به پارلمان ابراز بی‌اعتمادی نمی‌کنند؛ اما چالش اصلی مجلس این کشور بی‌اعتنایی مردم به پارلمان است (Leston-Bandeira, 2002).

بنگلادش

نهاد قانون‌گذاری بنگلادش تا سال ۱۹۹۱ از مشروعیت و قدرت کمی برخوردار بود. زیرا اعضای آن با دخالت نیروهای نظامی انتخاب می‌شدند و دولت نیز برای اداره کشور چندان نیازمند تأیید پارلمان نبود. با این حال، اصلاحات صورت‌گرفته در ساختار مجلس بنگلادش این وضعیت را تغییر داد و اکنون این نهاد بیش از گذشته مورد توجه است (Ahmed, 2012). پارلمان قدرتمندتر اعتماد بیشتری را جلب می‌کند و ظرفیت تولید سرمایه اجتماعی بالاتری دارد.

به‌رغم این تغییرات، مردم بنگلادش از عملکرد مجلس راضی نیستند. آمارهای مربوط به اعتماد مردم به افسار مختلف حاکی از آن است که نمایندگان مجلس، پس از پلیس، در رتبه دوم بی‌اعتمادی قرار دارند (Ahmed, 2012).

مجلس هلند

پارلمان هلند از نظر ساختاری برای کسب و حفظ سرمایه اجتماعی مناسب نیست. به دلیل نظام انتخاباتی «دی‌هوند»، نیمی از اعضای مجلس مستقیماً توسط مردم انتخاب نمی‌شوند، تعداد نمایندگان نسبت به جمعیت کشور کم است، و آنان حوزه‌های جغرافیایی خاصی را نمایندگی نمی‌کنند. علاوه بر این، مصوبات پارلمان می‌تواند توسط مجلس علیاً کاملاً وتو شود. به طور معمول، این موارد باید به کاهش سرمایه اجتماعی بینجامد؛ اما در عمل اعتماد و سرمایه اجتماعی نهاد مجلس و نمایندگان هلند بالاست و نشانه‌ای از افول سرمایه اجتماعی مشاهده نمی‌شود. چند عامل موجب شده است، به‌رغم ساختار نامناسب، سرمایه اجتماعی این نهاد حفظ شود؛ نخست، انتظارات مردم از مجلس زیاد نیست و دوم، نمایندگان مجلس با مردم ارتباط قوی دارند (Andeweg, 2012).

پارلمان هلند از جمله معدود مجالسی است که با افول سرمایه اجتماعی مواجه نشده و البته برای افزایش آن برنامه‌ریزی می‌کند:

۱. تغییر نظام انتخاباتی به منظور تقویت نمایندگی مردم توسط نمایندگان پارلمان (Andeweg, 2012).
۲. تعریف «وتوی مردمی» که بر اساس آن امکان برگزاری همه‌پرسی برای لغو مصوبات مجلس فراهم می‌شود.
۳. تعریف امکان ارائه طرح قانونی توسط مردم.
۴. استفاده بیشتر از رسانه‌های جدید توسط مجلس و نمایندگان (Andeweg, 2012).

پارلمان فنلاند

میزان سرمایه اجتماعی پارلمان فنلاند حتی از دولت و احزاب سیاسی آن نیز فراتر رفته است (Arter, 2012). به‌رغم اینکه پارلمان فنلاند در عمل به اندازه واتیکان نهادی بسته و غیر شفاف است و حتی کمیته‌ای ویژه برای دریافت و رسیدگی به عریضه‌های مردمی در نظر گرفته نشده (Arter, 2012) باز هم سرمایه اجتماعی آن بالاست. وجود نظام حزبی قوی نیز در بسیاری از کشورها موتور محرک سرمایه اجتماعی شناخته می‌شود. فنلاند نمونه‌ای از کشورهایی است که پدیده «زوال حزب» را تجربه می‌کند (Arter, 2012). با این توصیف، می‌توان گفت سرمایه اجتماعی مجلس فنلاند به احزاب نیز وابسته نیست. در نتیجه، نه گشودگی، نه احزاب، نه مشارکت مردمی هیچ‌یک در افزایش سرمایه اجتماعی مجلس فنلاند نقش تعیین‌کننده‌ای نداشته‌اند. سرمایه اجتماعی این نهاد بیش از هر چیز مرهون فعالیت شخصی و مستقیم نمایندگان برای ارتباط با مردم است (Arter, 2012).

فرانسه

آمارها نشان می‌دهند که بی‌اعتمادی مردم به پارلمان فرانسه در دهه‌های اخیر افزایش یافته (Costa et al., 2012) و دلایل آن بدین شرح است:

۱. شکاف اجتماعی-اقتصادی: نمایندگان مجلس فرانسه بیش از هر کشور اروپایی دیگر از طبقه‌ای خاص انتخاب می‌شوند و کمترین شباهت را با عموم مردم دارند (Best & Gaxie, 2000).
۲. محدودیت حق عریضه (Costa et al., 2012).
۳. نمایندگی ملی به جای منطقه‌ای (Costa et al., 2012).

ایالات متحده

سرمایه اجتماعی حکومت ایالات متحده در دهه‌های اخیر کاهش شدیدی را تجربه کرده است. بر اساس نظرسنجی‌های مؤسسه گالوپ، که از سال ۱۹۷۲ آغاز شده، در آن سال‌ها سطح اعتماد به سه قوه تقریباً یکسان و بالا بود (قضایه ۶۶٪، مجریه ۷۳٪، مقننه ۷۲٪). اما این آمار به تدریج تغییر کرد تا جایی که در سال ۲۰۱۴ اعتماد به قوه قضایه به ۶۱٪، به مجریه به ۴۳٪، و به کنگره تنها به ۲۸٪ کاهش یافت. یک پنجم آمریکایی‌ها نیز اعلام کردند که هیچ اعتمادی به قوه مقننه ندارند (Jones, 2015). این ارقام نشان‌دهنده از دست رفتن شدید سرمایه اجتماعی کنگره ایالات متحده است.

آلمان

بوندستاگ همواره به دلیل اتکای شدید به کمیسیون‌ها در فرایند قانون‌گذاری و بی‌توجهی به گفت‌وگوی عمومی مورد انتقاد بوده است. اگرچه اصلاحاتی برای رفع این مشکل صورت گرفته، از نظر فرهنگی، این اتکا به کمیسیون‌ها همچنان ادامه دارد و ارتباط با مردم را دشوار می‌سازد (Saalfeld & Dobmeier, 2012) (سالفلد و دابمایر، ۲۰۱۲: ۳۱۶). جالب آنکه با حرفه‌ای‌تر، شفاف‌تر، و بازتر شدن پارلمان و همچنین بالا رفتن سطح اطلاعات مردم اعتماد به بوندستاگ کاهش یافته است (Leston-Bandeira, 2012a). برای بازیابی اعتماد، بوندستاگ بر مدرن‌سازی و تقویت سیستم عریضه تمرکز کرده است. عریضه، که بر اساس ماده ۱۷ قانون اساسی حق هر شهروند است، به گسترده‌ترین ابزار ارتباطی بین پارلمان و مردم تبدیل شده و استفاده از آن رو به افزایش است (Saalfeld & Dobmeier, 2012). فرایند ثبت عریضه بسیار تسهیل شده و در نتیجه تعداد آن بسیار زیاد است (نزدیک به ۱۹۰۰۰ عریضه در سال ۲۰۰۹ در مقایسه با حدود ۴۰۰ عریضه در پارلمان بریتانیا) (Hough, 2012). یک کمیته ویژه متشکل از اعضای منتخب بوندستاگ موظف است به این عریضه‌ها رسیدگی کند و پیگیری لازم را انجام دهد (Saalfeld & Dobmeier, 2012).

ایتالیا

مجلس ایتالیا از سرمایه اجتماعی پایینی برخوردار است و به‌رغم تلاش‌ها و اصلاحات متعدد نتوانسته اعتماد مردم را جلب کند (Russo & Verzichelli, 2012). بخشی از این بی‌اعتمادی ریشه در بی‌اعتمادی تاریخی مردم به طبقه حاکم و کمبود مشروعیت نهادهای حکومتی دارد (روسو و ورزیچلی، ۲۰۱۲: ۳۵۳). علاوه بر این، تصویر منفی که رسانه‌ها به طور مداوم از مجلس ارائه می‌دهند به کاهش سرمایه اجتماعی آن دامن زده است. این تصویر دوگانه از یک سو غیبت و کوتاهی نمایندگان در انجام دادن وظایفشان (مانند نمایش صحن خالی مجلس) و از سوی دیگر فعالیت شدید و گاه نامناسب آن‌ها برای حفظ موقعیت و امتیازات شخصی (مانند لابی‌گری برای افزایش بودجه) را نشان می‌دهد (Russo & Verzichelli, 2012).

پارلمان ایتالیا ابزارهایی برای بهبود ارتباط با مردم دارد؛ از جمله:

۱. همه‌پرسی لغو قوانین (ابریشمی‌راد و جلالی، ۱۳۹۸).
۲. طرح قانونی عموم که با جمع‌آوری ۵۰۰۰۰ امضا می‌تواند در مجلس مطرح شود. این نوع ارائه طرح به مجلس تحت عنوان «طرح قانونی عموم» شناخته می‌شود.
۳. حق عریضه (Russo & Verzichelli, 2012).

سه عامل اصلی ناکامی در افزایش سرمایه اجتماعی عبارت‌اند از: شیوه نامناسب برگزاری جلسات، تعامل محدود اینترنتی و تأثیر کم عریضه‌ها، و سوءاستفاده اعضا و گروه‌ها از منابع عمومی (Russo & Verzichelli, 2012).

ایران

در مورد سنجش سرمایه اجتماعی مجلس شورای اسلامی، انجام دادن پژوهش‌های مستقل و دقیق ضروری است. در غیاب چنین مطالعاتی، می‌توان به داده‌های «پیمایش جهانی ارزش‌ها» استناد کرد. بر اساس تحلیل سال ۲۰۲۱ این مؤسسه، بیش از ۶۰

درصد مردم ایران به مجلس شورای اسلامی «اعتماد زیاد» یا «خیلی زیاد» دارند. این رقم تقریباً دو برابر میانگین جهانی است. در مقابل، ۳۴ درصد مردم ایران اعتماد کمی به مجلس دارند یا بی‌اعتماد هستند که این میزان تقریباً نصف میانگین جهانی (۵۹٪) است (جدول ۲).

با توجه به این آمار، به نظر می‌رسد وضعیت سرمایه اجتماعی مجلس شورای اسلامی در مقایسه با بسیاری از پارلمان‌های جهان مناسب است؛ اگرچه تلاش برای بهبود آن باید تداوم یابد.

جدول ۲. سنجش اعتماد مردم به مجلس در کشورهای مختلف (مرتب‌شده بر اساس نام کشور) (اینکلهارت و همکاران، ۲۰۲۱)

کشورها	بدون پاسخ	نمی‌دانم	ابراز بی‌اعتمادی کامل	ابراز اعتماد کم به پارلمان	ابراز اعتماد زیاد به پارلمان	ابراز اعتماد بسیار زیاد به پارلمان
استرالیا	۱۰۰	-	۱۷,۲	۵۴,۲	۲۳,۸	۳,۸
ایالات متحده	۱۰۵	-	۲۳,۶	۶۰,۱	۱۳,۰	۱,۸
ایران	۰,۷	۱,۳	۲۰,۳	۱۴,۱	۴۳,۶	۱۹,۹
آرژانتین	۰,۳	۴,۵	۳۳,۲	۴۱,۶	۱۹,۰	۱,۳
آلمان	۰,۷	۳,۸	۱۰,۹	۴۲,۴	۳۸,۰	۴,۳
بنگلادش	۰,۴	۲,۴	۶,۲	۱۶,۲	۴۵,۴	۲۹,۳
پاکستان	۰,۵	۹,۰	۲۳,۶	۱۶,۹	۳۲,۴	۱۷,۶
تونس	۱,۰	۱,۲	۶۱,۳	۲۷,۹	۶,۰	۲,۶
چین	۰,۴	۰,۱	۰,۹	۶,۴	۵۳,۹	۳۸,۳
روسیه	۰,۲	۱۰,۴	۲۰,۴	۳۱,۴	۳۰,۶	۶,۹
ژاپن	۰,۴	۱۰,۱	۱۱,۸	۴۶,۶	۲۹,۲	۱,۹
عراق	۰,۳	۴,۵	۶۵,۱	۱۸,۶	۷,۳	۴,۲
کانادا	-	-	۱۲,۹	۴۲,۸	۳۹,۱	۵,۲
کره جنوبی	-	-	۲۷,۰	۵۲,۳	۱۸,۵	۲,۲
لبنان	۰,۸	۰,۲	۳۳,۷	۵۱,۷	۱۱,۴	۲,۲
مالزی	-	۰,۲	۱۳,۹	۴۳,۸	۳۴,۶	۷,۶
مصر	۰,۶	۱۷,۱	۴۵,۹	۲۸,۷	۷,۲	۰,۴
میانگین	٪۰,۶	٪۲,۸	٪۲۵,۶	٪۳۳,۷	٪۲۸,۰	٪۹,۴

بحث

بر اساس تحلیل داده‌های تطبیقی از تجارب پارلمانی کشورهای مختلف و در چهارچوب مؤلفه‌های اثرگذار بر سرمایه اجتماعی می‌توان گفت:

مؤلفه اعتماد

یافته‌ها نشان می‌دهند سطح اعتماد به پارلمان به طور مستقیم تحت تأثیر مثبت و منفی عوامل نهادی و ساختاری زیر قرار دارد:

- قدرت و جایگاه واقعی مجلس در نظام حاکمیت (بنگلادش)
- میزان تأثیرگذاری مردم در گزینش نمایندگان (هلند)
- سلامت و کارآمدی نظام حزبی (فنلاند)
- پابندی نمایندگان به نمایندگی از حوزه‌های انتخابیه (فرانسه)

مؤلفه مشارکت

- تأثیر مستقیم مردم در فرایند تصمیم‌گیری (هلند)
- حق ارائه طرح قانونی توسط مردم (فنلاند)
- حق وتو یا همه‌پرسی لغو قوانین توسط مردم (فرانسه)

- سیستم کارآمد دریافت و رسیدگی به عریضه‌های مردمی (آلمان و ایتالیا)

مؤلفه از خودگذشتگی

- تصویرسازی صادقانه و شفاف از مجلس (هلند)

- تعدیل انتظارات مردم از مجلس (ایتالیا)

مؤلفه تعامل غیر رسمی

- ارتباط مستقیم و فعال نمایندگان با مردم از طریق شبکه‌های اجتماعی (فنلاند و هلند)

- گفت‌وگوی عمومی و مشورت گسترده درباره طرح‌های مهم قانونی (آلمان)

در جمع‌بندی نهایی، یافته‌ها حاکی از آن است که سرمایه اجتماعی پارلمان پدیده‌ای چندبعدی است که توسط ترکیبی از عوامل ساختاری (نظیر قوانین انتخاباتی، اختیارات مجلس، مکانیسم‌های مشارکت) و عوامل فرهنگی- رفتاری (نظیر تصویرسازی، اخلاق حرفه‌ای نمایندگان، تعامل غیر رسمی) شکل می‌گیرد و تقویت یا تضعیف می‌شود.

نتیجه

نتایج تحلیل تطبیقی بیانگر آن است که فرسایش سرمایه اجتماعی پارلمان‌ها، حتی در دموکراسی‌های تثبیت‌شده، پدیده‌ای شایع است و عمدتاً ناشی از ادراک ناکارآمدی، فساد، فاصله نهادی با مردم، و تضعیف نقش نمایندگی است. در مقابل، پارلمان‌هایی که توانسته‌اند شفافیت هدفمند، مشارکت واقعی شهروندان، و تصویر اخلاقی قابل اعتماد از نمایندگان ارائه دهند از سطح بالاتری از سرمایه اجتماعی برخوردارند. این یافته‌ها با نتایج پژوهش‌های پیشین درباره نقش تعیین‌کننده اعتماد سیاسی در مشروعیت نهادهای نمایندگی (van der Meer, 2010; Holmberg et al., 2017) و همچنین با مطالعاتی که بر پیامدهای کاهش اعتماد به پارلمان در تبعیت از قانون تأکید دارند (Jones, 2015) همخوانی دارد. افزون بر این، نتایج پژوهش حاضر، هم‌سو با تحلیل‌های موردی درباره تجربه پارلمان بریتانیا، نشان می‌دهد راهکارهایی مانند شفافیت، در صورت فقدان زمینه نهادی و ارتباط مؤثر با افکار عمومی، می‌توانند پیامدهای دوگانه داشته باشند (Leston-Bandeira, 2012a).

نتایج این پژوهش و بررسی تجارب بین‌المللی امکان دستیابی به چند گزاره کلیدی را فراهم می‌سازد:

نخست آنکه پدیده افول سرمایه اجتماعی پارلمان‌ها مختص به یک کشور نیست.

دوم، توقف این روند نزولی به دلیل چندبعدی و پیچیده بودن علل آن فاقد راه‌حلی ساده و خطی است.

سوم، تصویرسازی مطلوب از مجلس به عنوان نهادی صادق، شفاف، متعهد به منافع عامه، کارآمد، و مبتنی بر خرد جمعی و کارشناسی سنگ‌بنای هر گونه تلاش برای ارتقای سرمایه اجتماعی است.

چهارم، تجربه موفق پارلمان‌های مختلف نشان می‌دهد اصلاحات نهادی در سه حوزه اطلاع‌رسانی، آموزش، و ارتباطات می‌تواند پیوند مجلس با فضای عمومی را تقویت کند. با این حال، همان‌گونه که نمونه‌های نیوزلند و پرتغال هشدار می‌دهند، هر گونه اصلاحاتی باید با در نظرگیری خواست و رضایت عمومی طراحی شود.

در نهایت، تقویت «درجه نمایندگی» نمایندگان از طریق بازنگری در قوانین انتخابات و افزایش حدنصاب‌های رأی می‌تواند به افزایش مشروعیت اولیه آنان و در نتیجه تقویت سرمایه اجتماعی کل نهاد بینجامد.

در مجموع، می‌توان اذعان داشت که ارتقای سرمایه اجتماعی مجلس شورای اسلامی نیازمند حرکتی دوسویه است؛ از یک سو جلب اعتماد از طریق شفافیت و صداقت و کارآمدی و از سوی دیگر تقویت مشارکت واقعی مردم در فرایندهای تقنینی. دستیابی به این هدف مستلزم از خودگذشتگی نمایندگان در اولویت دادن منافع ملی و همچنین تعاملی مستمر و سازنده با جامعه است.

بر اساس چارچوب نظری به‌کاررفته در این پژوهش، تقویت سرمایه اجتماعی مجلس شورای اسلامی مستلزم توجه هم‌زمان و متوازن به چهار مؤلفه کلیدی است: اعتماد، مشارکت، از خودگذشتگی، تعامل غیر رسمی. اعتماد، به عنوان زیربنایی‌ترین مؤلفه، از

طریق افزایش شفافیت، مبارزه مؤثر با فساد، ارتقای کارآمدی تقنینی، و پرهیز از منازعات جناحی تقویت می‌شود و مستقیم بر میزان پذیرش قوانین و مشروعیت نهادی مجلس اثر می‌گذارد. مشارکت، با فراهم‌سازی امکان حضور واقعی شهروندان در فرایندهای تصمیم‌سازی و قانون‌گذاری، احساس تعلق و مالکیت عمومی نسبت به نهاد مجلس را افزایش می‌دهد و پیوند نمایندگی را از سطح انتخاباتی به سطح حکمرانی ارتقا می‌بخشد. از خودگذشتگی و دوری نمایندگان از منفعت‌طلبی شخصی از طریق بازنمایی تعهد، مسئولیت‌پذیری، و اولویت دادن منافع عمومی بر منافع فردی و جناحی موجب شکل‌گیری تصویر اخلاقی مثبت از مجلس در افکار عمومی می‌شود؛ تصویری که نقش تعیین‌کننده‌ای در اعتماد بلندمدت دارد. در نهایت، تعامل غیر رسمی نمایندگان با مردم از رهگذر ارتباط‌های مستقیم و صمیمانه و مستمر فاصله نهادی میان مجلس و جامعه را کاهش می‌دهد و سرمایه اجتماعی را از سطح انتزاعی به سطح تجربه زیسته شهروندان منتقل می‌کند. هم‌افزایی این چهار مؤلفه زمینه‌ساز افزایش پایدار سرمایه اجتماعی مجلس شورای اسلامی و بازسازی رابطه اعتمادآمیز میان نهاد نمایندگی و جامعه خواهد بود.

پیشنهاد

بر اساس چارچوب نظری چهارمؤلفه‌ای و با الهام از تجارب موفق بین‌المللی و توجه به بافت بومی، پیشنهادهایی جهت ارتقای سرمایه اجتماعی مجلس شورای اسلامی ارائه می‌شود:

مؤلفه اعتماد

۱. شفافیت حداکثری: انتشار الکترونیکی و عمومی کلیه آراء، مذاکرات کمیسیون‌ها، صورت‌جلسات و گزارش‌های عملکرد نمایندگان و کمیسیون‌ها.
۲. پیگیری بی‌وقفه پرونده‌های فساد تا حصول نتیجه نهایی و قانع‌کننده برای افکار عمومی و پرهیز از متوقف کردن پرونده‌ها در مرحله افشا.
۳. اجتناب از سیاسی‌کاری.
۴. نشان دادن قدرت نظارتی مجلس از طریق پیگیری جدی و انتشار نتایج.
۵. کاهش تنش‌های نمایشی و جناحی در تریبون‌های عمومی مجلس و تمرکز بر بحث‌های کارشناسی و سازنده.

مؤلفه مشارکت

۱. اجرای «ابتکار عام»: ایجاد سامانه‌ای برای دریافت پیشنهادهای قانونی از مردم.
۲. اجرای «ابتکار دستور جلسه»: اختصاص بخشی از دستور جلسات کمیسیون‌ها به موضوعات و دغدغه‌های پیشنهادی شهروندان.
۳. راه‌اندازی «سامانه کارزار مردمی».
۴. فعال‌سازی «کرسی‌های مردمی»: اجرای کامل و عملیاتی کردن بند آیین‌نامه داخلی مبنی بر اختصاص کرسی برای نمایندگان نهادهای مدنی و شهروندان فعال در جلسات کمیسیون‌ها.

مؤلفه از خودگذشتگی

۱. انتشار عمومی و دقیق کلیه حقوق، مزایا، و هزینه‌های نمایندگان.
۲. بازنگری در امتیازات غیر ضروری نمایندگان به منظور تقویت تصویر خدمتگزاری و ایثارگری.
۳. خودداری نمایندگان از تأکید صرف بر منافع قومی و منطقه‌ای در تصمیم‌گیری‌های کلان ملی.
۴. الزام ارائه همه طرح‌ها همراه گزارش توجیهی اقتصادی، اجتماعی، حقوقی و بررسی کارشناسی شده از پیامدهای آن.
۵. حفظ نقش نمادین و تقویت و تبلیغ نقش نمایندگان به عنوان پیگیران شکایات مردمی در برابر دستگاه‌های دولتی.

مؤلفه تعامل غیر رسمی

۱. ساماندهی ارتباط مجازی نمایندگان از طریق راه‌اندازی پلتفرم یکپارچه و امن در وبسایت مجلس برای هر نماینده جهت انتشار فعالیت‌ها، دریافت نظرات، و گفت‌وگوی مستقیم با موکلان خود.
 ۲. تشویق به استفاده هدفمند و حرفه‌ای از شبکه‌های اجتماعی (مانند کانال‌های اطلاع‌رسانی) برای ارائه گزارش کار، توضیح مصوبات، و پاسخ به سؤالات نه صرفاً تبلیغات.
 ۳. ترغیب نمایندگان به برگزاری جلسات دوره‌ای و حضوری (هفتگی یا ماهیانه) در حوزه انتخابیه خود برای گفت‌وگو با اقشار مختلف مردم و تشکل‌های مردمی.
 ۴. برگزاری جلسات استماع عمومی و غیر رسمی توسط کمیسیون‌های تخصصی در مورد طرح‌های مهم با حضور ذی‌نفعان، کارشناسان، و شهروندان علاقه‌مند پیش از تصویب نهایی.
 ۵. بازتعریف نقش مشاوران: استفاده از تیم‌های مشاوره‌ای متشکل از جوانان و متخصصان حوزه انتخابیه به منظور ایجاد پیوند و دریافت مستقیم نظرات و ایده‌های مردم.
- به پژوهشگران آتی پیشنهاد می‌شود با طراحی پیمایش‌های ملی و اختصاصی به سنجش مستقیم ادراک شهروندان از عملکرد و کارآمدی مجلس شورای اسلامی بپردازند. همچنین انجام دادن مطالعات ترکیبی (کمی-کیفی) می‌تواند به درک عمیق‌تر سازکارهای شکل‌گیری و فرسایش سرمایه اجتماعی پارلمان کمک کند. به‌علاوه، تحلیل نقش رسانه‌های اجتماعی و ارتباطات دیجیتال نمایندگان در بازتولید یا تضعیف سرمایه اجتماعی پارلمان می‌تواند افق‌های پژوهشی نوینی را در این حوزه بگشاید.

محدودیت‌های پژوهش

نخست، این پژوهش بر داده‌های ثانویه، اسناد رسمی، و گزارش‌های بین‌المللی اتکا دارد و به دلیل محدودیت‌های دسترسی از داده‌های پیمایشی اختصاصی در سطح ملی استفاده نشده است. دوم، ماهیت کیفی و تطبیقی پژوهش امکان تعمیم آماری یافته‌ها را محدود می‌سازد و نتایج آن عمدتاً در سطح تعمیم تحلیلی و سیاستی قابل استفاده است. سوم، تفاوت‌های نهادی، فرهنگی، و تاریخی میان کشورهای مورد مطالعه می‌تواند بر قابلیت انتقال مستقیم برخی درس‌آموخته‌ها به زمینه ایران تأثیر بگذارد.

منابع

- ابریشمی‌راد، محمدامین و جلالی، علی‌رضا (۱۳۹۸). ضوابط برگزاری همه‌پرسی تقنینی و نظارت بر آن در ایران و ایتالیا. *حقوق اساسی*، دوره ۱۷، شماره ۳۳، صفحات ۱۸۸ - ۲۰۸.
- اوفه، کلاوس (۱۳۸۴). چگونه می‌توان به شهروندان اعتماد کرد؟. در کیان تاج‌بخش (به کوشش). *سرمایه اجتماعی، اعتماد، دموکراسی و توسعه*. تهران: شیرازه. صفحات ۲۰۱ - ۲۷۵.
- رضایی، سوده (۱۳۹۴). ارائه مدل شناورسازی مرز حوزه‌های انتخابیه در انتخابات مجلس شورای اسلامی بر مبنای افزایش سرمایه اجتماعی. *سیاست‌های راهبردی و کلان*، دوره ۳، شماره ۱۰، صفحات ۱۲۹ - ۱۵۰.
- رضایی، سوده و گل‌پرور، مجید (۱۳۹۲). تأثیر بازنگری در فرایند انتخابات مجلس شورای اسلامی بر ارتقای سرمایه اجتماعی. *مجلس و راهبرد*، دوره ۲۰، شماره ۷۵، صفحات ۱۰۷ - ۱۳۲.
- زمانی، سمیه (۱۴۰۲). *مطالعه تطبیقی شیوه‌های مشارکت عمومی در فرایند قانون‌گذاری و پیشنهادهایی برای مجلس شورای اسلامی*. تهران: مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی.
- سنگی، لیلا (۱۴۰۱). واکاوی نهادی سرمایه اجتماعی زنان و تأثیر آن در انتخابات مجلس شورای اسلامی. *جامعه‌شناسی سیاسی انقلاب اسلامی*، دوره ۳، شماره ۲، صفحات ۷ - ۲۹.
- عباسی، بیژن (۱۳۸۷). بررسی روش‌های اعمال مردم‌سالاری مستقیم و نیمه‌مستقیم. *مطالعات حقوق خصوصی*، دوره ۳۸، شماره ۲، صفحات ۱ - ۲۴.
- نژادخلیلی، مهدی (۱۳۹۷). *آثار و نتایج نظام انتخاباتی مجلس شورای اسلامی با تأکید بر حد نصاب‌های اکثریتی معمول در ده دوره انتخاباتی*. تهران: مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی.
- Abbasi, B. (2008). A Study of Methods for Implementing Direct and Semi-Direct Democracy. *Private Law Studies*, 38(2), 1-24. (in Persian)
- Abebe, Z., Admassu, K., & Belayneh, N. (2024). Interplay between civic engagement, political trust, and support for democracy: Insights from a study on youth students at Addis Ababa University, Ethiopia, *Social Sciences & Humanities Open*, 10.
- Abrishamirad, M.A. & Jalali, A.R. (2019). Regulations for Holding Legislative Referendums and Oversight Thereof in Iran and Italy. *Journal of Constitutional Law*, 17(33), 188-208. (in Persian)
- Ahmed, N. (2012). Parliament and Citizens in Asia: The Bangladesh Case. *The Journal of Legislative Studies*, 18(3-4), 463-478.
- Andeweg, R. B. (2012). A Least Likely Case: Parliament and Citizens in the Netherlands. *The Journal of Legislative Studies*, 18(3-4), 368-383.
- Arter, D. (2012). The Finnish Eduskunta: Still the Nordic 'Vatican'?. *The Journal of Legislative Studies*, 18(3-4), 275-293.
- Azevedo-Harman, E. (2012). Parliaments and Citizens in Sub-Saharan Africa. *The Journal of Legislative Studies*, 18(3-4), 419-440.
- Best, H. & Gaxie, D. (2000). Detours to Modernity: Long-Term Trends of Parliamentary Recruitment in Republican France 1848-1999. In H. Best & M. Cotta (Eds.), *Parliamentary Representatives in Europe 1848-2000* (pp. 88-137). Oxford University Press.
- Bourdieu, P. (1986). The forms of capital. In J. Richardson (Ed.), *Handbook of Theory and Research for the Sociology of Education* (pp. 241-258). Greenwood.
- Cain, B. E., Dalton, R. J., & Scarrow, S. E. (Eds.). (2003). *Democracy Transformed? Expanding Political Opportunities in Advanced Industrial Democracies*. Oxford: Oxford University Press.
- Costa, O., Lefébure, P., Rozenberg, O., Schnatterer, T., & Kerrouche, E. (2012). Far Away, So Close: Parliament and Citizens in France. *The Journal of Legislative Studies*, 18(3-4), 294-313.
- Dalton, R. J. (2004). *Democratic challenges, democratic choices: the erosion of political support in advanced industrial democracies*. Oxford: Oxford University Press.
- Dalton, R. J. (2005). The Social Transformation of Trust in Government. *International Review of Sociology*, 15(1), 133-154.
- DellaSala, V. (2002). Parliament and Citizens in Italy: A Distant Relationship. In P. Norton (Ed.), *Parliaments and Citizens in Western Europe* (pp. 66-88). Frank Cass.
- Denters, B. (2002). Size and Political Trust: Evidence from Denmark, the Netherlands, Norway, and the United Kingdom. *Environment and Planning C: Government and Policy*, 20(6), 793-812.
- Devine, D. (2024). Does Political Trust Matter? A Meta-analysis on the Consequences of Trust. *Polit Behav*, 46, 2241-2262.

- Dotti Sani, G. M. & Magistro, B. (2016). Increasingly unequal? The economic crisis, social inequalities and trust in the European Parliament in 20 European countries. *European Journal of Political Research*, 55(2), 246-264.
- Engbers, T. A. & Rubin, B. M. (2018). Theory to Practice: Policy Recommendations for Fostering Economic Development through Social Capital. *Public Administration Review*, 78(4), 567-578.
- Engbers, T. A., Thompson, M. F., & Slaper, T. F. (2017). Theory and Measurement in Social Capital Research. *Social Indicators Research*, 132(2), 537-558.
- Griffith, J. & Leston-Bandeira, C. (2012). How Are Parliaments Using New Media to Engage with Citizens?. *The Journal of Legislative Studies*, 18(3-4), 496-513.
- Holmberg, S. (1999). Down and Down We Go: Political Trust in Sweden. In P. Norris (Ed.), *Critical Citizens - Global Support for Democratic Governance* (pp. 103-122). Oxford University Press.
- Holmberg, S. (2008). Effects of Trust in Parliament. *QoG WORKING PAPER SERIES*, 2008(13), 1-26.
- Holmberg, S., Lindberg, S., & Svensson, R. (2017). Trust in parliament. *Journal of Public Affairs*, 17(1-2).
- Hough, R. (2012). Do Legislative Petitions Systems Enhance the Relationship between Parliament and Citizen?. *The Journal of Legislative Studies*, 18(3-4), 479-495.
- Ilonszki, G. & Papp, Z. (2012). The Paradoxes of Parliament–Citizen Connections in Hungary: A Window on the Political System. *The Journal of Legislative Studies*, 18(3-4), 334-350.
- Inglehart, R., Haerpfer, C., Moreno, A., Welzel, C., Kizilova, K., Diez-Medrano, J., Lagos, M., Norris, P., Ponarin, E., Puranen, B., et al. (Eds.). (2021). World Values Survey: Round Seven - Country-Pooled Datafile Version. JD Systems Institute.
- Ji, Ch., Jiang, J., & Zhang, Y. (2024). Political trust and government performance in the time of COVID-19. *World Development*. 176.
- Jones, D. R. (2015). Declining Trust in Congress: Effects of Polarization and Consequences for Democracy. *The Forum*, 13(3), 375-394.
- Kappler, M., Schomaker, R., Guaschino, E., et al. (2025). How do elite core actors assess trust in national and EU authorities? The varying role of generalised trust at different governmental levels. *Comp Eur Polit*, 23, 300–330.
- Leston-Bandeira, C. (2002). Parliament and Citizens in Portugal: Still Looking for Links. In P. Norton (Ed.), *Parliaments and Citizens in Western Europe* (pp. 111-127). Frank Cass.
- Leston-Bandeira, C. (2012a). Parliaments' Endless Pursuit of Trust: Re-focusing on Symbolic Representation. *The Journal of Legislative Studies*, 18(3-4), 514-526.
- Leston-Bandeira, C. (2012b). Studying the Relationship between Parliament and Citizens. *The Journal of Legislative Studies*, 18(3-4), 265-274.
- Lieven De, W. (2020). Belgian MPs: Between Omnipotent Parties and Disenchanted Citizen-Clients. In P. Norton (Ed.), *Parliaments and citizens in Western Europe* (pp. 89-110). Routledge.
- Luke, W. (2008). Secularists and Islamists in Morocco: Prospects for Building Trust and Civil Society through Human Rights Reform. *Journal for the Study of Religions and Ideologies*, 7(19), 54-77.
- Mahmud, R. (2021). What explains citizen trust in public institutions? Quality of government, performance, social capital, or demography. *Asia Pacific Journal of Public Administration*, 43(2), 106-124.
- Montinola, G. (2009). Corruption, distrust, and the deterioration of the rule of law. In *Building a Safe, Secure, and Prosperous Asia: The Role of the Rule of Law* (pp. 298-323). National Bureau of Asian Research.
- Nejadkhalili, M. (2018). *Consequences and Outcomes of the Islamic Consultative Assembly's Electoral System with Emphasis on Common Majority Thresholds in Ten Electoral Periods* (Report No. 16203). Tehran: Majlis Research Center. (in Persian)
- Norris, P. (2011). Trends in Democratic Deficits. In P. Norris (Ed.), *Democratic Deficit: Critical Citizens Revisited* (pp. 102-116). Cambridge University Press.
- Norton, P. (2012). Parliament and Citizens in the United Kingdom. *The Journal of Legislative Studies*, 18(3-4), 403-418.
- Nyqvist, F., Serrat, R., Nygård, M., et al. (2024). Does social capital enhance political participation in older adults? Multi-level evidence from the European Quality of Life Survey. *Eur J Ageing* 21, 30.
- Offe, C. (2005). How Can We Trust Citizens?. In Kian Tajbakhsh (Ed.), *Social Capital, Trust, Democracy and Development* (pp. 201-275). Tehran: Shirazeh. (in Persian)
- O'Halpin, E. (2020). Still Persecuting Civil Servants? Irish Parliamentarians and Citizens. In P. Norton (Ed.), *Parliaments and citizens in Western Europe* (pp. 111-127). Routledge.
- Pollitt, C. & Bouckaert, G. (2000). *Public Management Reform: A Comparative Analysis*. Oxford University Press.
- Przeworski, A. & Teune, H. (1970). *The Logic of Comparative Social Inquiry*. New York: Wiley.
- Ragin, C. C. (2014). *The Comparative Method: Moving Beyond Qualitative and Quantitative Strategies*. University of California Press.

- Rezaei, S. & Golparvar, M. (2013). The Impact of Revising the Electoral Process of the Islamic Consultative Assembly on the Promotion of Social Capital. *Majlis and Rahbord*, 20(75), 107-132. (in Persian)
- Rezaei, S. (2015). Presenting a Model for Floating Electoral District Boundaries in Islamic Consultative Assembly Elections Based on Increasing Social Capital. *Quarterly Journal of Strategic and Macro Policies*, 3(10), 129-150. (in Persian)
- Rihoux, B. & Ragin, C. (Eds.). (2009). *Configurational Comparative Methods: Qualitative Comparative Analysis (QCA) and Related Techniques*. Sage Publications.
- Rolef, S. H. (2006). *Public Trust in Parliament: A Comparative Study*. The Knesset.
- Russo, F. & Verzichelli, L. (2012). Parliament and Citizens in Italy: An Unfilled Gap. *The Journal of Legislative Studies*, 18(3-4), 351-367.
- Saalfeld, T. & Dobmeier, R. (2012). The Bundestag and German Citizens: More Communication, Growing Distance. *The Journal of Legislative Studies*, 18(3-4), 314-333.
- Sangi, L. (2022). An Institutional Analysis of Women's Social Capital and Its Impact in Islamic Consultative Assembly Elections. *Journal of Political Sociology of the Islamic Revolution*, 3(2), 7-29. (in Persian)
- Seawright, J. & Gerring, J. (2008). Case selection techniques in case study research. *Political Research Quarterly*, 61(2), 294-308.
- Stals, L., Isac, M., & Claes, E. (2024). Political trust among European youth: Evaluating multi-dimensionality and cross-national measurement comparability. *Studies in Educational Evaluation*. 80.
- Sztompka, P. (2007). *Trust: A Sociological Theory*. Tehran: Shirazeh. (in Persian)
- van der Meer, T. (2010). In what we trust? A multi-level study into trust in parliament as an evaluation of state characteristics. *International Review of Administrative Sciences*, 76(3), 517-536.
- Zamani, S. (2023). *A Comparative Study of Public Participation Methods in the Legislative Process and Suggestions for the Islamic Consultative Assembly* (Expert Report). Tehran: Majlis Research Center. (in Persian)